

نگاه

آن سوی معیشت کارگری



حمیدرضاعظیمی

فصل سرما، فصل هیجانات جامعه کارگری است. مطابق سنتی که سال‌های سال ادامه دارد، ماه‌های انتهای سال جلساتی شروع می‌شود که قرار است از ماحصل آن، کف حقوق سال آینده مشخص شود. در چنین شرایطی اگر هر روز هم از تعیین این پارامتر و تأثیر آن بر زندگی خانواده‌های کارگری حرف بزنیم، باز هم کم است. البته تجربه هم ثابت کرده که در نهایت بعد از این همه حرف‌زدن، این امکان هست که با ریش‌گروداشتن تصمیم نهایی گرفته شود.

تعیین کف دستمزد و به عبارتی حقوق حداقل‌بگیرها، هر سال محل مناقشه است و اگر تمام صفحات روزنامه‌ها هر روز درباره این موضوع بنویسند، باز هم بعید است مسئله حل و مناقشه برطرف شود. سال‌های سال است برای تعیین کف مزد کارگران، این استدلال وجود دارد که افزایش دستمزدها مطابق با نرخ تورم، که نص صریح قانون کار است، موجب افزایش نقدینگی و به تبع آن تورمی خواهد شد و اهل تصمیم‌تاکید می‌کنند که مضرات این کار بر فوایدش غلبه خواهد کرد. به یاد نداریم که به‌جز سال ۱۴۰۱ که دستمزدها با افزایش ۵۷درصدی مواجه شد (که البته آن اقدام، وزیر وقت را هم به سرنوشته‌ی محتوم گرفتار کرد)، مبالغی که بتواند کفاف ساده‌ترین نیازهای زندگی روزمره را دهد، برای دریافتی کارگران تعیین شده باشد.

حالا هرچند دوباره در فصل مزد یا در آستانه آغاز جلسه شورای عالی کار که وزیر کار قولش را داده بود، قرار گرفته‌ایم، اما آن جلسات قول داده‌شده هنوز برگزار نشده‌است. اما همین‌چنان اهمیت دارد که این بحث دوباره شدت گرفته و ه‌رجا که می‌نشینید، این سؤال مطرح می‌شود که «حقوق‌ها چقدر افزایش پیدا می‌کند؟».

بخشی از پاسخ به این پرسش چند هفته است که در مؤسسه‌ای متعلق به وزارت کار کلید خورده و متخصصان آنجا جمع می‌شوند تا به نتیجه‌ای همه‌فهم برسند. درباره این موضوع حرف‌وحدیث هم البته زیاد است. اولیا علی‌بیگی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، چندی پیش در گفت‌وگویی با اشاره به برگزاری اولین جلسه تخصصی در حوزه مزد در مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، گفته بود: این مؤسسه با استفاده از امکانات خوبی که در اختیار دارد، به صورت علمی تحقیقات لازم را در زمینه هزینه سبد معیشت خانوار کارگری انجام داده و نتایج آن را در اختیار کمیته‌های مزد و وزارت کار قرار می‌دهد تا به روال سنوات گذشته، در دی‌ماه کمیته‌های مزد نشست‌های تخصصی خود را آغاز کنند و برای حداقل دستمزد سال ۱۴۰۴ کارگران تصمیم‌گیری شود. او با بیان اینکه امیدواریم تعیین حداقل دستمزد کارگران مبتنی بر ماده ۴۱ قانون کار صورت بگیرد، افزود: در اساس این ماده قانونی، دستمزد کارگران باید بر مبنای نرخ واقعی تورم و همچنین هزینه سبد معیشت خانوار کارگری تعیین شود.

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور معتقد است می‌توان با برنامه‌ریزی درست طرف مدت سه تا پنج سال، دستمزد کارگران را متناسب با واقعیت نرخ تورم و هزینه معیشت خانوار کارگری تثبیم کرد.

علی‌بیگی افزود: متناسفانه در سنوات گذشته این قانون آن‌طور که باید رعایت نشده و تعیین حداقل مزد کارگران متناسب با هزینه واقعی سبد معیشت خانوار کارگری نبوده و همین امر باعث شده جامعه کارگری تا حدودی از نشست‌های تخصصی مزد ناامید شوند. البته آنچه در بدنه جامعه کارگری بیان می‌شود، مغایر با برخی گفته‌هاست. جامعه کارگری افزایش حقوق مطابق تورم را بیشتر آرزو می‌دانند و البته تأکید هم دارند که آرزو هیچ عینی ندارد. این انگاره در آنجا ریشه دارد که در سنوات گذشته هیچ‌گاه ماده ۴۱ قانون کار اجرا نشده است. وضع جامعه کارگری نیز روزبه‌روز بد و بدتر می‌شود؛ زیرا در همین گفت‌وگوهای روزمره رسانه‌ای یک فعال کارگری درباره این موضوع گفته بود: فاصله دستمزد کارگران با سبد معیشت بسیار زیاد است و دستمزدهای فعلی کارگران اصلا پاسخ‌گوی نیاز آنها نیست.

رسول گریجک با بیان اینکه در حال حاضر فاصله دستمزد کارگران با سبد معیشت بسیار زیاد است و جامعه کارگری از پس هزینه‌های زندگی خود برنمی‌آید، تأکید کرده بود: در این شرایط حقوق، دستمزد، عیدی کارگران و دیگر مزایای مزدی باید بر اساس نرخ تورم واقعی در کشور محاسبه شود. گریجک گفت: دولت چهاردهم افزایش قدرت خرید کارگران را در دستور کار خود قرار دهد و مجلس هم قطعا از این موضوع بسیار مهم حمایت می‌کند. دولت با دادن بن کالا به کارگران از محصولات تولیدی داخلی کشور حمایت می‌کند.

به گفته او کم‌کم به پایان سال نزدیک می‌شویم و دولت جلساتی را برای دستمزد کارگران برای سال آینده خواهد گذاشت. ما بارها گفته‌ایم که دستمزد کارگران باید متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا کند و این موضوع را امسال هم پیگیر خواهیم بود.

گریجک که رئیس انجمن صنفی کارفرمایان شرکت‌های خدماتی گلستان است، این را هم گفته که درخواست داریم دستمزد کارگران در سال آینده رقم بسیار خوبی در نظر گرفته شود. به خاطر دستمزد کم بسیاری از کارگران برای تأمین معاش خانوار خود وارد مشاغل کاذب و دست‌فروشی شده‌اند. بر این نکته تأکید می‌کنم که درآمد سرانه خانوار گلستانی نصف میانگین کشور است و مسئولان استان برای ارتقای درآمد سرانه خانوار به سطح میانگین کشوری هرچه سریع‌تر اقدام کنند. باید اعتبارات بودجه استان به میزان مقبولی افزایش پیدا کند.

گریجک با بیان اینکه متناسفانه بار اصلی مشکلات و مسائل کلان اقتصادی بر دوش طبقه کارگر قرار دارد، افزود: علاوه بر آن رونق اقتصاد کشور منوط به توجه به معیشت کارگران است و باید به درآمد طبقه کارگر توجه ویژه شود که باعث رونق اقتصادی می‌شود. فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی استان به خاطر نبود سرمایه در گردش را کند شده و کارگران آنها بی‌کار شده‌اند. جامعه کارگری از شریف‌ترین طبقات اجتماع هستند و از دولت چهاردهم می‌خواهیم که به این مشکلات رسیدگی کند.

واقعیت این است که حرف‌درمانی نمی‌تواند به مصاف هزینه‌های مانده بر دوش خانواده‌های کارگری برود. ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود. اینکه آرزو این باشد که گروهی بنشینند و بدون توجه به گزاره‌های فرامتنی زندگی، دستمزدی را برای کارگران تصویب کنند که مشکلات انباشته آنها رفع شود، بیشتر به شوخی می‌ماند. شاید هم اگر قرار بر این باشد که یک سوزن به خودمان بزنیم و یک جوالدوز به کارفرمایان، برخی معذورات را ما هم درست بدانیم، اما زندگی و معیشت در نهایت با کسی شوخی ندارد و فقیرشدن جامعه کارگری به نفع هیچ‌کس نیست.

www.sharghdaily.com



Gettyimages.ia

قصه مقاومت، مبارزه و سازندگی



مراد راهداری

عضویت علمی دانشگاه

دیگر می‌پندارند. چرا به عوامل داخلی کمتر توجه می‌شود؟! و از عوامل داخلی غالباً غفلت می‌شود؟ آیا مردم از حاکمیت اسد و کارکردش راضی بودند؟ آیا سامانه حکومتی او مضحمل نشده بود؟ چرا به دنبال یک برنوشته اعتراضی کوچک در دیوار داخلی یک دبیرستان دخترانه که حدوداً ۱۴ سال پیش روی داد، این‌همه غوغا در سوریه به پا شد؟! ضرب‌ووشتم شد، جمعیت کثیری به زندان افتادند و اعتراض قفری را جرم تلقی کرد و برخورد با آن افراطی شد؟! بلافاصله داعش زایش یافت و آمریکا و روسیه با به میدان آنجا گذاشتند و گذشته از همه اینها، بعد از مهاد داعش، چ‌چرا باقی‌مانده داعش بود و استقرار حکومت مرکزی سوریه، در همه جغرافیای سوریه، مبارزه و مقابله ادامه نداشت؟ تا چه رسد به موضوع جولان که در تصرف صهیون بود.

چرا آمریکا در سوریه پایگاه داشت؟ چرا سهم ترکیه در اقتصاد و ایفای نقش حتی در عملیات نظامی در نوار مرزی بالا بود و سوریه عکس‌العملی نداشت؟ چرا روسیه عملیات دفاعی در برابر تهاجم رژیم اشغالی به سوریه را سلیقه‌ای اعمال می‌کرد و گاهی اجازه تخریب می‌داد و گاهی نه؟ چرا مانع تهاجم هوایی صهیون به پایتخت سوریه نشد؟! و «چرا»های بسیار دیگر. آیا در بیش از یک سال گذشته که غزه در تلاطم مقابله و مبارزه بود و حزب‌الله به کمک شنتافت، یمن و ایران نیز درگیر شدند، نقش مورد انتظار سوریه ایفا شد؟! یا عمدتاً به سطح کمک به درمان و پناه‌دادن به مراجعان اکتفا کرده بود؟! چرا اوضاع مالی دولت سوریه ماه‌ها بحرانی شده بود؟! چرا سال‌های سال اوضاع اقتصادی و تورم نابهنجار و فقر بیاد می‌کرد؟! چرا نهادها و بنیادهای سازمان‌دهی اجتماعی در حیات جمعی سوریه آسیب دیده بودند؟! غفلت حاکمیت در رسیدگی به امور حیات اجتماعی از چه ناشی می‌شد؟! آیا ناشی از ضعف درون و صلاحیت خود نبود؟! آیا به محتوای قدرت و ذیل آن یعنی مردم، مربوط نمی‌شود؟!

آگاهی از ضعف درونی یا حتی طرح و برنامه براندازی از سوی منطقه داعش نشین، مربوط به کشف دو یا سه ماه نیست؛ شکست، ناشی از بی‌خبری درباره معضلات داخلی و انعکاس‌نیافتن کوشش‌های ضد جریان مقاومت به مقامات بالای سوریه‌ای و مقابله‌نکردن آنها نبود، بلکه مسئله را باید در فقر، بی‌عدالتی، حاکمیت خارج از اراده و نظیر مردم، نبود آزادی‌پس از بیان و مقابله خشن با معترضان و ضعف در حاکمیت جست‌وجو کرد.

واقعیت این است که قصه مقاومت تمام‌شدنی نیست. حتی در بعضی جوامع و برخی از مناطق جغرافیایی، قصه سرآغازی برای آینده‌ای نه‌چندان دور است. همان‌طورکه مقابله ۳۳روزه بین لبنان و صهیون، طرفین را به سوی

روزنه

قطعی برق آسیب‌های جدی دارد

نایبرئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: وقتی عملکرد دولت در تأمین انرژی به‌عنوان زیرساخت مورد نیاز تولید ضعیف است، نمی‌تواند از بنگاه‌های اقتصادی انتظار داشته باشد حقوق دولت را به‌طور کامل ادا کند و در پرداخت مالیات، بیمه تأمین اجتماعی و بازپرداخت تسهیلات بانکی توانمندانه عمل کند.

پیام باقری، نایبرئیس اتاق بازرگانی ایران، درباره تأثیر کمبود حامل‌های انرژی و به دنبال آن قطعی مکرر برق گفت: قطعی برق بر میزان تولید بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار است و در همین حال رشد هشت‌درصدی پیش‌بینی شده در هر سال در برنامه هفتم پیشرفت به تأمین پایدار انرژی گرہ خورده است. البته صنعت در کشور ما پتانسیل رشد تولید بیش از هشت‌درصدی را هم دارد، اما مهم‌ترین پیش‌نیاز تحقق این امر تأمین انرژی است.

او افزود: وقتی عملکرد دولت در تأمین انرژی به‌عنوان زیرساخت مورد نیاز تولید ضعیف است، نمی‌تواند از بنگاه‌های اقتصادی انتظار داشته باشد حقوق دولت را به‌طور کامل ادا کند و در پرداخت مالیات و بیمه تأمین اجتماعی و بازپرداخت تسهیلات بانکی توانمندانه عمل کند. همچنین وقتی یک بنگاه اقتصادی با قطعی برق و توقف تولید روبه‌رو است، نمی‌تواند به تعهدات خود به صنعت بالادست متعهد باشد. در نتیجه حتما باید برای تأمین پایدار انرژی صنایع راهکارهایی اندیشیده شود.

باقری خاطر نشان کرد: تعطیل‌کردن بانک‌های استان تهران و هم‌زمان تعطیل نکردن بانک‌های شهرستان‌ها در فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اختلال ایجاد می‌کند.

امنیت غذایی در معرض آسیب

عطاالله اشرفی‌اصفهانی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی تهران نیز دراین‌باره به ایلنا گفت: در موضوع قطعی برق، بخش کشاورزی مظلوم واقع شده است. ما در مورد صنایع مختلف و تأثیر این موضوع بر عملکرد آنها صحبت می‌کنیم، اما کشاورزی با وجود اینکه با تأمین امنیت غذایی سروکار دارد و در این صنعت با پرورش دام، طیور و گیاه سروکار داریم، مغفول می‌ماند؛ درحالی‌که قطعی برق در این صنعت به معنای تلف‌شدن سرمایه است و تنها توقف تولید را دربر ندارد.

او اضافه کرد: هرچند در نیمه شمالی کشور کشت در مزارع و باغ‌ها به دلیل پرودت هوا انجام نمی‌شود، اما در مناطق جنوبی کشت برقرار است و قطعی برق به این مناطق هم سرایت کرده و تولید را متاثر می‌کند. ضمن اینکه در همه نقاط کشور کشت در گلخانه‌ها انجام می‌شود و گلخانه‌ها امکان تولید کشاورزی بدون برق را ندارند. علاوه‌براین سهمیه گازوئیلی که دولت برای تأمین سوخت ژنراتورها در اختیار بخش کشاورزی قرار داده، کافی نیست و اکتون تولیدکنندگان گاه تا ۲۰ هزار تومان برای خرید هر لیتر گازوئیل باید پرداخت کنند.

اشرفی‌اصفهانی تصریح‌کرد:

متصدی تأمین انرژی صنعت کشاورزی وزارتخانه‌های نیرو و نفت هستند که متاسفانه همکاری خوبی در این زمینه با وزارت کشاورزی ندارند. باین‌حال فعلا بخش خصوصی فعال در صنعت کشاورزی با تدابیری که اندیشیده تولید را پیش می‌برد، اما تداوم قطعی برق به از بین رفتن سرمایه و توقف تولید خواهد انجامید.

داوود رنگی، عضو دیگر هیئت نمایندگان اتاق تهران نیز دراین‌باره گفت: تداوم کمبود گاز و گازوئیل و قطعی برق بی‌شک تولید گوشت و مرغ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فعلا قطعی برق با ژنراتور جبران می‌شود و گازوئیلی که از سهمیه تابستانی باقی‌مانده است، سوخت ژنراتورها را تأمین می‌کند، اما اگر این شرایط تا دو ماه دیگر تداوم داشته باشد، اوضاع بحرانی می‌شود و امیدوارم دولت در مورد صنعت کشاورزی، دام و طیور هوشمندانه رفتار و جایگاه این صنعت را در تأمین غذای جامعه درک کند.

^[1]
^[2]
^[3]
^[4]
^[5]
^[6]
^[7]
^[8]
^[9]
^[10]
^[11]
^[12]
^[13]
^[14]
^[15]
^[16]
^[17]